

لحظه‌ای با سازنده
و نوازنده مقیم مصلی
که نگاهش مادی نیست

سلوک روحانی

معصومه فرماني کيا - «موسیقی در جان و وجودم چنان نشسته و بیقرارش هستم که همه دل‌بستگی‌های دیگر را کنار گذاشته‌ام و سایه‌وار تعقیبش می‌کنم. در هر محفل انسی که صدای سازی بلند می‌شود روحم را بی دلیل همراه می‌کند. این اشتیاق طاقت‌سوز، جمعه و تعطیل و وقت و بی‌وقت هم نمی‌شناسد. لذت مصاحبت و همراهی با آن‌هایی که ذوقی در نوازندگی دارند، همه سال‌های کودکی، جوانی و میانسالی‌ام را سرشار از طروات کرده است. روزهای شتابان جوانی‌ام به نواختن ساز و موسیقی گذشت و من به این باور رسیده‌ام که جهان از آن کسانی است که این دنیای روحانی را درک و لمس کرده‌اند و برایش عزت و حرمت قائلند».

این حرف‌ها فقط از زبان هنرمندانه او بر می‌آید که وقت دیدارمان را بی‌هیچ منت و حرفی قبول می‌کند. استاد محمد یار احمدی که هم نوازندگی می‌کند و هم سازنده سازهای مختلف است، فارغ‌التحصیل رشته تاریخ و موزهداری و باز نشسته میراث فرهنگی است و این بار میهمان شهرآرامحله ماست. صدای تارزدن استاد یار احمدی که از قاب اتاق کوچکش در عمارت مصلی بیرون می‌زند، در بدو ورود و در یک صبح ابری و زمستانی حالم را خوب می‌کند. دلچسپی فضای اتاق استاد ناخودآگاه پیشمان می‌برد، بی‌هیچ‌اذن و اجازه ورخصتی. میز وسط اتاق و اطراف آن که پر از آلات موسیقی است، برای لحظه‌ای نگاهمان را درگیر می‌کند. صدای آواز قناری که فضا را پر داشته است، مجالی برای حال و احوال نمی‌گذارد. اینجا یک جوهرهایی اتاق کاری او به حساب می‌آید.



مخالفت‌های
خانواده‌ام نتوانست
ذره‌ای از علاقه‌ام
را در این حوزه کم
کند. با این که پدرم
دوست داشت به
خاطر فن بیانی که
دارم، سخنان شوم
اما موضوعی که
مرا به این وادی
کشاند، فراتر از
حس‌های زمینی
بود. این را با ایمان
کامل می‌گویم

